

گسترش فرهنگ وحدت اسلامي درميان مسلمانان از منظر قرآن ، حديث و قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

گسترش فرهنگ وحدت اسلامي درميان مسلمانان از منظر قرآن ، حديث و قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

د. محمدجواد ابوالقاسمي

چکیده:

يکي از دغدغه هاي بزرگ مصلحان جهان اسلام موضوع وحدت امّت اسلامي مي باشد، به همين دليل صاحب نظران تلاش کرده اند تا ابعاد اين موضوع مهم را مورد بررسي قرار دهند و براي افزايش وحدت و کاهش اختلاف در بين امّت اسلامي راه حل هايي ارايه دهند؛ به همين دليل مقاله حاضر با استفاده از آيات قرآن مجيد و احاديث وارد شده از سوي معصومين(ع)؛ موضوع را مورد مطالعه قرار داده است و بر 5 عنصر اساسي که جنبه فرهنگي دارد تأکيد نموده است که آن عناصر عبارت است از:

1. اهميت وجود رهبري الهي، شايسته و مقتدر در بين هر قوم، مذهب و مملکت براي اينکه بتواند با اقتدار خود زمينه هاي اختلاف را از بين ببرد و زمينه وحدت و همدلي را بين امّت پديد آورد.
2. به رسميت شناخته شدن جا يگاه و مرجعيت علمي و معنوي اهل البيت(ع) به عنوان حافظان آئين و شريعت رسول گرامي اسلام(ص).

3. آگاهی بخشی و توجه دادن امت اسلامی به آثار شوم اختلاف و تفرقه و برکاتی که می‌تواند وحدت و الفت بین مسلمانان داشته باشد.

4. فرهنگ سازی و تشویق امت اسلامی برای اهتمام به اخوت و برادری اسلامی.

5. افزایش بعد عاطفی و انسانی میان امت اسلامی و تشویق و تشجیع آنها به نیکوکاری و رسیدگی به امور مسلمانان و حتی غیر مسلمانان.

پس از بیان اصول فوق؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نمونه عملی مورد بررسی قرار گرفته است و اصول و موادی که برای تحقق تقویت وحدت در بین امت اسلامی به ویژه در میان گروه‌های سیاسی؛ دینی و مذهبی پیش‌بینی شده است مرور گردیده است.

بدیهی است کاربرد اصول ذکر شده و استفاده از تجربه مدون و قانونی جمهوری اسلامی ایران آنگونه که در قانون اساسی آمده است می‌تواند مورد استفاده دیگر ملل قرار گیرد.

مقدمه

همبستگی و پیوند امت‌ها موضوعی است که همه ادیان، مذاهب، فلاسفه و مُصلحان جوامع مختلف به آن پرداخته‌اند و نسبت به عواقب شوم تفرقه هشدار داده‌اند و تا کنون هزاران مقاله و صدها کنفرانس برای تبیین ابعاد آن ارایه شده ولی احساس می‌شود هنوز راه طی نشده بسیار است و ضرورت دارد تا ابعاد مختلف کاویده شود و پیشنهادات راهبردی و کاربردی ارایه گردد؛ به همین دلیل سعی شد با استفاده از قرآن مجید و کلام معصومین(ع) نسبت به عناصری که بیشتر جنبه فرهنگی دارد و می‌تواند برای افزایش وحدت و همدلی در بین امت اسلامی کمک کند تأکید شود.

لذا در این مقاله، با مرور برخی از آیات قرآن و احادیث معصومین(ع) و بررسی اجمالی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تجربه مدون در بین ملل مسلمان؛ جایگاه وحدت امت اسلامی و عناصر فرهنگی تقویت کننده آن مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج آن ارایه شده است.

جایگاه و عناصر فرهنگی وحدت امت اسلامی از منظر قرآن کریم و احادیث معصومین(ع)

مقوله فرهنگ دارای گستره فراوانی است و شامل ابعاد مختلف فردی و اجتماعی می‌شود و از لایه‌های متنوعی برخوردار می‌باشد که در این نوشتار مجالی برای برای ورود به همه عرصه‌های آن نیست، لذا مسایل و ابعاد متنوع فرهنگ برای مخاطبان این مقاله مفروض گرفته شده است و تنها به موارد و مصادیق تاثیرگذار بر وحدت امت مسلمان تأکید شده است.

قرآن کریم، وحدت را موجب و عامل عزّت، استقلال و استحکام امت‌ها میداند و در سوره انفال آیه 46 می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَةً شَلُّوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است». نکته دیگر آن است که در منطق قرآنی کسانی که در مسیر وحدت نباشند، خارج از امت اسلام به حساب آمده و از آنان باید بیزاری جست. به عنوان مثال در سوره انعام آیه 159 می‌فرماید: «إِنَّ السَّذِينَ فَرَّ قُوا دِينَ هُمْ وَ كَانُوا شَرِيعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنْ مَّا أَمَرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنذِبُ إِلَهُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ / کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچگونه مسئول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست». آنگاه به آنچه انجام می‌دادند آگاهشان خواهد کرد». آنچه از آیه فوق استفاده میشود، این است که نقض وحدت، به معنای خروج از آیین و طریق اسلام است.[1] از منظر قرآن کریم وحدت عامل عزّت و استقلال است و شرط دستیابی به وحدت امت اسلامی اطاعت از خدا و پیامبر(ص) و صبر و شکیبایی است، تا زمانی که مردم به تفرقه و پراکندگی مبتلا نشده‌اند و مسیر وحدت را می‌پیمایند اتحاد و انسجام جامعه برقرار خواهد بود.

همچنین با مراجعه به روایات و احادیث معصومین(ع) در می‌یابیم که مهم‌ترین موضوع از منظر ایشان وحدت، یکدلی و برادری است. در عصری که دشمنان اسلام سعی بر ایجاد نفاق و تفرقه در جامعه و بین امت اسلامی را دارند، توجه به بیانات گهربار و روحنواز معصومین(ع) یقیناً گره‌گشا خواهد بود که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

1. در فرهنگ اسلامی وجود رهبری الهی و شایسته و مقتدر و تبعیت از ایشان به عنوان یکی از عناصر مهم در وحدت امت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته شده است.

قال رسول الله(ص): إسمَعُوا وَ أَطِيعُوا لِمَنْ وَلاَهُ الْاَمْرُ، فَإِنََّّهُ نِظَامُ الْاِسْلَامِ. [2]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: از کسی که خداوند به او «ولایت امر» داده است، حرف شنوی و اطاعت داشته باشید؛ چرا که این اطاعت نظامبخش اسلام است.

و در اهمیت رهبری الهی و شایسته به عنوان محور وحدت؛ امام علی(ع) می‌فرمایند: وَ مَكَانُ الْقَيِّمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فِيرَهُ أَبَدًا. [3]

امام علی(ع) فرمودند: جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته‌های است که دانه‌ها را به هم پیوند داده و جمع میکند و آنگاه که رشته پاره شود، دانه‌ها پراکنده شده و هرگز تمام آن‌ها جمع نخواهند شد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که وجود رهبران شایسته، الهی و مقتدر به شرط اینکه مردم از آنها پیروی کنند می‌توانند آتش تفرقه و اختلاف را در درون جوامع فرو نشانند و مانند پدری مهربان محبت و عشق به یکدیگر را در بین خانواده بزرگ مسلمانان افزایش دهند.

2. به رسمیت شناختن شأن و جایگاهی که پیامبر اکرم(ص) برای ذوی القربی و اهل بیت(ع) ترسیم نموده و در حدیث مشهور «الثقلین» آنها را به عنوان عدل قرآن برای حفظ و بقای اسلام معرفی نموده است می‌تواند قلب‌های امت مسلمان را به هم نزدیک‌تر کند و به برکت اهل بیت(ع) عنصر وحدت تقویت گردد.

قال رسول الله(ص): فَأَنْتُمْ (أَهْلُ الْبَيْتِ) أَهْلُ الْاَمْرِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النَّسَبَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ اتَّخَذَتِ الْكَلَامَةُ. [4]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: شما اهل بیت، اهل امر هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است. در همین راستا دختر گرامی پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:

«طاعتنا نظاما للملة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام». [5]

حضرت فاطمه زهرا (س) فرمودند: پیروی از ما اهل بیت، نظامبخش به امت و رهبری ما عامل وحدت و جهاد مایه عزّت و سربلندی اسلام است.

3. آگاهی بخشی وتوجه دادن امت اسلامی به آثار شوم اختلاف و تفرقه و برکاتی که می تواند وحدت و الفت بین مسلمانان داشته باشد «قال النبی(ص): الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ». [6]

پیامبر(ص) فرمودند: جماعت و وحدت، مایه رحمت الهی و تفرقه، موجب عذاب الهی است. و در مورد دیگر نسبت به آثار اختلاف هشدار می دهند و می فرمایند:

«قال النبی(ص): مَا اخْتَلَفَ اُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا الاَّ طَهَرَ اَهْلُهَا بِاطِلَالِهَا عَلَي اَهْلِ حَقِّهَا». [7]

- پیامبر اکرم(ص) فرمودند: هیچ امتی پس از پیامبرشان اختلاف نکردند؛ مگر آنکه گروه باطل بر حق گرایان چیره و مسلط شدند. و در همین راستا امام جعفر صادق(ع) جامعه اختلاف زده را ترسیم می کنند و می فرمایند:

«قال الصادق(ع): مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَ نَكَثَ صَفْقَةَ الْإِمَامِ جَاءَ إِلَى أَجْدَمٍ». [8]

امام صادق(ع) فرمودند: هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد. پیامبر اکرم(ص) هلاکت امت ها را در گرو اختلاف و تفرقه می دانند و می فرمایند:

«قال النبی(ص): لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَن كَانَ قَبْلَكُمْ، اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا». [9]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: اختلاف نکنید؛ آنان که قبل از شما بودند، اختلاف کردند و هلاک شدند. امام علی(ع) نیز نتیجه اختلاف را در این می بینند که باعث می شود امکان هرگونه تصمیم گیری صحیح در مسائل فردی و جمعی از بین برود و شرائط ناخواسته برجامعه تحمیل شود. «قال علی(ع): اَلْخِلَافُ يَهْدِمُ الرِّسَالَةَ». [10]

-امام علی(ع) فرمودند: اختلاف، «بنیاد و اندیشه درست» را در هم میریزد. همچنین امام علی(ع) می فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَ الْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لَشَيْطَانٌ كَمَا إِنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ». [11]

«از تفرقه و اختلاف بپرهیزید؛ چرا که هر کس از دایره اتحاد و انسجام خارج شود، طعمه شیطان است».

امام علی(ع) نه تنها در زمان حکومت، بلکه در همه حال به وحدت پایبند بودند، به عنوان مثال آن زمان که علی(ع) در مصدر حکومت قرار نگرفتند، بعضی حضرت را به شورش علیه حکومت فرا خواندند، امّا امام(ع) فرمودند:

«با اینکه من انتقاد جدّی نسبت به حکومت دارم، امّا بدانید در بین امّت پیامبر(ص) هیچ کس بیشتر از من به وحدت و اُلفت این امّت دل نبسته است». [12]

آن حضرت همچنین فرمودند: «به خدا سوگند، آن‌ها که دست از یاری یکدیگر بردارند، قطعاً شکست خواهند خورد». [13]

حضرت ریشه اختلاف را جهل می دانند و می فرمایند: «قال علی(ع): لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ». [14]

امام علی(ع) فرمودند: «اگر جاهل سکوت میکرد، مردم اختلاف نمیکردند (سبب بسیاری از اختلافات، سخنها و رفتارهای ناآگاهانه است)».

ایشان در فرازی از خطبه 192 نهجالبلاغه که به خطبه قاصعه معروف است به گذشته تاریخی اشاره می کنند و می فرمایند:

-«از حوادث و عذابهای وارد بر ملّتهای گذشته، بر اثر افعال ناشایست و کارهای بدی که انجام می دادند، پرهیز کنید و احوال خوب و بد آنان را به خاطر بیاورید و مواظب باشید که مانند آنان نشوید. وقتی در اختلاف حال آن‌ها دقّت کردید و نتیجه گرفتید، هر کاری را که به ملّتهای گذشته عزّت داده، دشمن را از آنان دور کرده، آسایش را به آنانی ارزانی داشته، نعمت را تسلیم آنان ساخته، احترام را

به وحدت و جمعیت کشانیده است؛ باید تقویت کنید و آن را انجام دهید. این کارها پرهیز از اختلاف، حفظ روابط دوستی و کوشیدن در راه ایجاد آن و سفارش به حفظ دوستی است. از هر کاری که کمر گذشتگان را شکست و نیروی آنان را ضعیف ساخت، که عبارت است از کینه دلهای، خشم سینهها، بیاعتنایی به یکدیگر و به کمک هم نشافتن، پرهیز کنید».

4. فرهنگ سازی و تشویق امت اسلامی برای اهتمام به اخوت و برادری اسلامی. چون پیامبر اکرم(ص) میفرمایند: «قال رسول الله(ص): الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ لَا فَضْلَ لِإِحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى». [15]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: مسلمانان با هم برادرند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد؛ مگر از حیث تقوا.

و در بیانی دیگر میفرمایند: «قال النبی(ص): خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَالَهُ قَهَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُوْلَفُ». [16]

پیامبر گرامی(ص) فرمودند: بهترین مؤمنان کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد. کسی که انس نگیرد و با دیگران مانوس نشود، خیری ندارد.

پیامبر گرامی اسلام(ص) رسیدن به ولایت الهی را در گرو حبّ فی الله و بغض فی الله دانستهاند و تصریح نمودهاند که از راه نماز و روزه و امثال اینها نمی‌توان مزه ایمان را چشید: «قال النبی(ص): أَحِبَّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغِضْ فِي اللَّهِ وَ وَالِّ فِي اللَّهِ وَ عَادِ فِي اللَّهِ فَأَنْتَ سَهْلٌ لَّنْ تَدْعَاكَ وَ لَايَةُ اللَّهِ الْبُذْلُ وَ لَا يَجِدُ رَجُلٌ طَاعِمُ الْإِيمَانِ وَ إِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَ صَرِيامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ». [17]

پیامبر اعظم(ص) روزی به یکی از اصحاب خویش فرمودند: در راه خدا دوست بدار و برای خدا دشمن بدار؛ برای خدا موالات و دوستی کن و برای خدا دشمنی کن؛ یقیناً جز با این، به ولایت خدا نخواهی رسید و هرگز کسی طعم ایمان را نمییابد، هر چند نماز و روزه‌اش فراوان باشد؛ مگر آنکه چنین باشد.

پیامبر عظیم الشان اسلام هنگامی که می‌خواهند منشور برادری را اعلان کنند، میفرمایند: «قال رسول الله(ص): أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كَلَّاكُمْ لَادَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ» «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ أَتَقِيكُمْ» وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى». [18]

رسول خدا (ص) در خطبه حجة الوداع فرمودند: ای مردم، پروردگارتان یکی است، پدرتان هم یکی است. همه

شما از آدمید و آدم از خاک است. «گرامیترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست». عرب را بر عجم هیچ برتری نیست؛ مگر به تقوا. و فرزند گرامیشان نیز تاکید می‌کنند که: «قال الباقر(ع): يا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ تَأَلَّسُّوا وَتَعَاظَفُوا». [19] امام باقر(ع) فرمودند: «هان ای گروه مؤمنان، مأنوس و متّحد باشید و به همدیگر مهربانی کنید».

5. افزایش بعد عاطفی و انسانی میان امت اسلامی و تشویق و تشجیع آنها به نیکو کاری و رسیدگی به امور مسلمانان و حتی غیر مسلمانان. این اقدام نگاه‌ها را توسعه می‌بخشد و امت اسلامی را از چارچوبه‌های خودبینی و خویشتن‌بینی خارج می‌سازد و نگاه‌ها را به افق‌های بلندتر معطوف می‌سازد و همین امر باعث می‌گردد که از زمینه‌های اختلاف کاسته شود و جامعه نسبت به همدیگر احساس مسؤولیت بیشتری بنمایند. «قال رسول الله(ص): مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَسَ مِنْهُمْ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَا يَسَ بِمُسْلِمٍ». [20]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: «هر کس صبح کند، در حالی که به کارهای مسلمانان اهمیّتی نمیدهد و به فکر مسلمین نیست، او از آنان نیست. و هر کس بشنود که کسی مسلمانی را به کمک فرا میخواند، ولی پاسخش را نمیدهد، مسلمان نیست».

امام باقر(ع) امت اسلامی را پیکر واحد مب‌دانند و مب‌فرمایند: «قال الباقر(ع): الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارُّهِمْ وَتَرَاهُمْهُمْ وَتَعَاظِفُهُمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَالْحَمَّى». [21]

امام باقر(ع) فرمودند: مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند، که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد، تمام اعضا در تب و بیخوابی گرفتار آیند.

امام سجاد(ع) نیز امت اسلامی را یک خانواده بزرگ تلقی می‌کند و می‌فرماید: «قال الامام السجاد(ع): يَا زُهْرِي، أَمَا عَلَايَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْمُسْلِمِينَ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ بَيْتِكَ، فَتَجْعَلَ كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَالِدِكَ، وَتَجْعَلَ صَغِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ وَلَدِكَ وَتَجْعَلَ تَرَبُّكَ مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَخِيكَ.»

امام سجاد(ع) به زهري فرمودند: «ای زهري، چه میشود که مسلمانان را مانند اهل خانه خود دانی؛ بزرگ آنان را به منزله پدر خود و کوچکشان را به منزله فرزند خود و دیگران را به منزله برادر خود

با عنایت به آنچه در فرهنگ اسلامی و در کلام پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) آمده حفظ اتحاد، برادری و همبستگی در بین امت اسلامی اهمیت و جایگاه والایی دارد، در پناه وحدت امکان رشد، ترقی و شکوفایی همه ملّتها فراهم میشود.

اینک نمونه‌ای از ضمانت‌های قانونی که برای تحقق وحدت امت اسلامی در جمهوری اسلامی به مرحله اجرا در آمده و همه دستگاه‌ها موظف به اجرای آن می‌باشند ارائه می‌گردد.

وحدت امت اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از مبانی دینی است، وحدت امت اسلامی به عنوان یک اصل اساسی و زیربنایی مورد توجه قرار گرفته و بر پیشگیری از اختلاف و تفرقه میان مذاهب تأکید شده است.

اصل نهم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملّت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».[23]

بر اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملّی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت».[24]

با توجه به اینکه اقوام، زبانها، نژادها، ادیان و مذاهب مختلف در یک کشور میتوانند منشأ بروز تشکّات و پراکندگی در آن گردد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موازینی را به شرح ذیل برای تحقق وحدت ملّی و جلوگیری از تجزیهطلبی تدارک دیده است.

بر اساس اصل نوزدهم قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».[25]

بنابراین در برخورداری از حقوق اجتماعی نظیر انتخابات، آحاد مردم از تساوی برخوردارند و نژاد و قومیت و زبان تأثیری در آن ندارد.

بر اساس اصل بیستم قانون اساسی: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».[26]

بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».[27]

بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل میکنند».[28]

همچنین جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل 14 قانون اساسی موظف است با الهام از تعالیم اخلاقی اسلامی با سایر ادیان رفتار نماید.

بر اساس اصل چهاردهم قانون اساسی: به حکم آیه شریفه «لا ینهیکم اَنِ عن الذین لم یقاتلوا فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم تقسطوا الیهم ان اَنِ یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانیکه اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».[29]

قانون اساسي حاوي اين امتياز است که ارزشها [30]، آرمانها [31] و نهادهای اساسي ملّت را به صورت مشخص، یکجا و مرتبط معرفي میکند، چنانچه اين مجموعه طيّ فرآیندي از عقل و اراده جمعي بهره گرفته باشد بخش مهمّی از مبناي همبستگي و وحدت امّت اسلامي شکل گرفته است. قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران تا حدّ قابل قبولي با الگوي مطلوب انطباق یافته است. براي تعميق اين کارکرد باید محتوای اصول قانون اساسي روشن شود تا درک و فهم مشترک به صورت دقيقتر و واقعيتر نهادينه شود. در چنين حالي، پایه اصلي اتحاد در جامعه مردمسالار شکل ميگيرد.

در کنار اين مبناي اساسي، حوزههاي متعدّد دي در قانون اساسي مطرح شده که توجّه، پردازش و پرورش آنها ميتواند ارزش همبستگي و اتحاد را حفظ و تقويت نمايد. [32]

برابري و عدم تبعيض [33] يکي از ويژگيهاي حکومت قانون [34] است، در حکومت قانون، اعضاي جامعه در برابر قانون از حقوق و تکاليف يکسان برخوردار ميباشند و تبعيض ناروا [35] وجود ندارد. [36]

از منظر ديگر معيار اعطاي حقوق يا مطالبه تکاليف، عنوان شهروندي است، هر عضو که بتواند رابطه شهروندي را با دولت ايجاد کند از کليه حقوق (در برابر تکاليف) برخوردار ميشود.

تقسيم عادلانه و برابر حقوق و تکاليف و توجّه به معيارهاي مشترکي، چون حقوق شهروندي به شکلگيري هويت ملّی، انسجام و اتحاد کمک میکند، در حالي که هر چه نابرابري يا احساس آن رواج يابد، پيوندهاي اتحادساز و انسجامبخش بين اعضا و گروه‌هاي اجتماع کمرنگ و سست ميشود. [37] در قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران (صرفنظر از برخي مباحث اختلافي) اصل شهروندي و تساوي حقوق مورد پذيرش قرار گرفته است. [38] حکومت قانون در قانون اساسي مورد تأکيد است و عاليترين مقام کشور نيز مصونيت ندارد. [39]

علاوه بر همه اينها، در مقدمه قانون اساسي، به مشارکت فعال و گسترده تمامي عناصر اجتماع در روند تحويل جامعه اشاره شده و قانون اساسي زمينه چنين مشارکتي را در مراحل مختلف تصميمگيريهاي سياسي و سرنوشتساز براي افراد اجتماع فراهم ساخته است. در اصل سوم قانون اساسي، مشارکت عامه مردم در تعيين سرنوشت سياسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي خويش (بند 8) و همچنين توسعه و تحکيم برادري اسلامي و تعاون عمومي بين همه مردم (بند 15)، مورد تأکيد قرار گرفته که از مصاديق و الزامات وحدت امّت اسلامي به شمار ميآيند. در اصل نهم نيز، وحدت و تماميت ارضي کشور، همراه و همتراز با آزادي و استقلال، اجزاي تفکيکناپذير جمهوري اسلامي ايران هستند. در اصل بيست و ششم قانون اساسي، «عدم نقض

وحدت ملّی، شرط آزادی احزاب، جمعیت‌ها و... است. [40] با توجه به اصول مطرح شده در قانون اساسی می‌توان ادعا کرد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور مورد تأکید قرار گرفته و مردم از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبانی از آزادیهای فردی و اجتماعی و تقسیم عادلانه حقوق و تکالیف برخوردارند، و در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش به منظور توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین خود مشارکت دارند. همچنین احزاب و جمعیت‌ها نیز به شرط عدم نقض وحدت ملّی از آزادی کامل برخوردارند.

در همین راستا حضرت امام خمینی(ره) بیان می‌دارند:

«من تأکید میکنم که اسلام تنها پناهگاه همه ما است و در زیر پرچم پرافتخار آن همه گروه‌ها به حقوق خود میرسند. عوامل اجانب که منافع خود را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنت، قضیه شیعه و سنی را طرح کرده و میخواهند با شیطنت، اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، شیعه و سنی در کنار هم و با هم برادرند و در حقوق مساوی هستند و هر کس خلاف آن را تبلیغ کند، دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنت باید این تبلیغات ضد اسلامی را در نطفه خفه کنند. [41] يك دسته از مسلمانان، شیعه هستند، يك دسته حنفی و دستهای حنبلی و دسته دیگر اخباری. اصلاً این دسته‌ها از اول درست نبوده، در يك جامعهای که همه میخواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم. منتهی علمای شما يك دسته فتوا به يك چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید (به عنوان مثال) حنفی؛ يك دسته فتوای شافعی را عمل کردند و يك دسته دیگر فتوای حضرت صادق(ع) را عمل کردند. این‌ها شدند شیعه. این‌ها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم. ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها میخواهند نه این باشد و نه آن. راه را این طور میدانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند». [42]

حضرت امیر(ع)، ابوالائمہ، اول شخص اسلام بعد از رسول اللہ(ص) در طول مدّت عمرشان زجرها دیدند و در آن مدّت‌ها که اختلافات بین دستجات بود، ایشان آرامش را حفظ کردند، برای اینکه اسلام، محتاج به آرامش بود.

حضرت رضا (ع) در آن ابتلائی که داشت و در آن مصیبت‌های معنوی که برایشان وارد میشد، بدون اینکه اختلاف ایجاد کند، با آرامش، راه خود را پیش میبرد و مقید بود که آرامش ملّت را حفظ کند. ما همه

باید اختلافات خود را عقلاً حل کنیم و نگذاریم منجر به سر و صدا و اختلاف اندازی شود. فرضاً اگر کسانی بخواهند تحریک عواطف کنند، تکلیف ما این است که در مقابل آنها آرامش را حفظ نموده، سکوت کنیم. [43]

در پایان به کلام مقام معظم رهبری اشاره می‌شود که درباره مفهوم وحدت میفرمایند: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت این‌ها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش، حتی در جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی هم مثل هم نیستند، میتوانند اتحاد داشته باشند، میتوانند کنار هم باشند، میتوانند دعا نکنند. [44] وحدت؛ یعنی بر گرد محورهای اصولی گرد آمدن». [45]

جمع‌بندی:

با توجه به آنچه بیان شد وحدت امت اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد و در این زمینه آیات و روایت‌های فراوانی این مهم را مورد توجه قرار داده و برای تحقق آن راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌های فراوانی صادر کرده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آن اوامر و دستورالعملها را مورد توجه قرار داده و بر همان اساس تنظیم شده و از این رهگذر برای تأمین و تضمین وحدت در بین امت اسلامی گام‌های استواری برداشته است که به برخی از آن اصول اشاره شد.

منابع و مأخذ

1- قرآن کریم

2- إربلب، علب بن عیسی (1381 هـ. ق). کشف الغمه فی معرفۃ الائمّه. تبریز: مکتبۃ بنی هاشم.

3- بوشهری، جعفر (1376). مسایل حقوق اساسی. تهران: نشر دادگستر.

4- پابنده، ابوالقاسم؛ نهجالفصاحه.

5- حبيبي، سلمان(1387). كتابشناسي وحدت امّت اسلامي و انسجام اسلامي. مجمع جهاني تقريّب مذاهب اسلامي.

6- حرّ عاملي، محمد بن الحسن. وسائل الشيعة. لبنان: دارالحياة التراث العربي، بيتا.

7- حرّ انب، ابن شعبه(1384). تحف العقول. ترجمه احمد جنتب. تهران: چاپ و نشر بينالملل.

8- سبزيان، علي اكبر (1386). منشور وحدت امّت اسلامي و انسجام اسلامي. قم: نشر خادم الرضا.

9- صبحي صالح(1412 هـ .ق). نهجالبلاغه. چاپ پنجم. قم: مؤسسه دارالهجره.

10- فاضل، خليل ا. وحدت ملاّب. فصلنامه مطالعات دفاعي استراتيژيك، شماره 5 و 6. تابستان و پاييز 1379.

11- كلينب، محمد بن يعقوب (1384 هـ .ق). اصول الكافي. بيروت: دارالكتب الاسلاميه.

12- كاستلز، استفان و ديويديسون، آليستر(1382). مهاجرت و شهروندي. ترجمه فرامرز تقيلو. تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي.

13- مجلسي، محمدباقر (1403 هـ .ق). بحارالانوار. چاپ سوم، بيروت: الوفاء.

14- محمد بن نعمان (شيخ مفيد)(1364). امالي. مترجم حسين استاد ولب. مشهد: بنياد پژوهشهاب آستان قدس رضوي.

15- الموسوي الخميني، روح ا (1361). صحيفه نور، مجموعه بيانات حضرت امام خميني(ره). تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامي.

16- نجفي اسفاد، مرتضي و محسني، فريد(1379). حقوق اساسي جمهوري اسلامي ايران. چاپ اول. تهران:

- 17- هندب، میرمتقب (1405 هـ.ق). كنز العمال. بيروت: مؤسسه الرساله.
- 18- حديث ولايت، مجموعه سخنان و بيانات رهبر معظم انقلاب. تهران: سازمان تبليغات اسلامي (1370).
- 19- قانون اساسي. چاپ بيست و چهارم. تهران: انتشارات آگاه (1382).
- 20- مجموعه مقالات همایش ملّی «وحدت امّت اسلامي؛ راهبردها و سياستها»، مجمع تشخيص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقيقات استراتژيك (1386).

[1]. مطالعات دفاعي استراتژيك، شماره 5 و 6 ، ص124-125

[2]. امالي مفيد، ص14

[3]. نهج البلاغه، خطبه 146

[4]. الكافي، ج1، ص6

[5]. كشف الغمه، ج2، ص109

[6]. نهج الفصاحه، كلمه قصار 3

[7]. كنز العمال، ج 929

[8]. كافي، ج1، ص 405

[9]. كنز العمال، ج 894

[10]. نهج البلاغه، حكمت 215

[11]. همان، خطبه 127

[12]. همان، خطبه 3

[13]. همان، خطبه 34

[14]. بحار الانوار، ج 75، ص 1

[15]. نهج الفصاحه، ج 2، ص 311

[16]. بحار الانوار، ج71، ص13

[17]. وسائل الشيعة، ج 11، ص440

[18]. تحف العقول، ص 4

[19]. الكافي، ج2، ص345

[20]. وسايل الشيعة، ج11، ص 9

[21]. همان، ج 71، ص234

[22]. سبزيان (1386)، ص 46

[23]. نجفي اسفاد و محسنی، ص 131

[24]. همان، ص 459

[25]. همان، ص 463

[26]. همان، ص 465

[27]. نجفي اسفاد و محسنی، ص 465

[28]. همان

[29]. همان

[30]. Values

[31]. Ideals / Goals

[32]. مجموعه مقالات همایش ملّی اتحاد ملّی؛ راهبردها و سیاستها (1386)، ص 171-172

[33]. Non-Discrimination

[34]. Rule of Law

[35]. Unlawful

[36]. بوشهري (1376)، ص 29-33 و نیز: Walker, Op.Cit., Law of Rule

[37]. کاستلر و دیویدسون، ترجمه تقیلو (1382)، ص 266

[38]. اصل نوزدهم قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

[39]. اصل یکصد و هفتم قانون اساسی: «... رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

[40]. مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملّی؛ راهبردها و سیاستها (1386)، ص 195-196

[41]. سخنرانی 29/5/1358

[42]. صحیفه نور، ج 13، ص 54

[43]. سخنرانی، 4/10/1359

[44]. خطبه‌های نماز جمعه تهران، 1/2/1379

[45]. 24/1/77